

نگرشی اجمالی

در پیدایش «سورر آلیسم»

سورر آلیسم اصطلاحی است که اغلب اشتباهاً برای توصیف اعم نقاشی مدرن بکار میرود ولی انحصار آن به نقاشی های این مکتب بدون در نظر داشتن اینکه هدفها و مقاصد آن بیان صریح و روشنتری در شعر و حتی احتمالاً در سینما یافته است به اشکال عاری از اشتباه خواهد بود.

چه، ایده و طرح سورر رئالیست تنها شامل زیبایی شناسی نبود. بلکه آن يك كوشش جامع ذهنی در راه خلق جدیدی از طرز بر خورد و تلقی زندگی، الكوی بدیعی از هستی و دید درستی از جهان بود که عمده خود را در ادبیات آشکار نمود. در روش یا جنبش سورر-آلیسم، نقاشی در واقع يك رل مجرد و حتی کوچکی را ایفا نمود. سبب اینست که سورر آلیسم در اصل يك جنبش ادبی بود ولی در معنی تنها که آنرا شامل نمیگردید. آن يك رویداد انقلابی در تاریخ ایدئولوژیکی عصر ما بود که واسطه های ادبیات، فلسفه، روزنامه نگاری و هر گونه بیان عمومی را که شامل نقاشی و همچنین هنرهای ترسیمی، عکاسی و سینما میشد بکار بست. از اینرو نقاشی سورر آلیست مقام نسبة متوسطی احراز نمود. و در حقیقت آن، ارزش و اعتبار خود را صرفاً بخواطر چند نقاش نابغه بدست آورد، نه باتکاء اینکه دید خود را خلق نموده یا از نظر مفاد چیزی به طرحی که بطور کلی این نهضت گشوده بود، افزوده

باشد. تحرك شديد اين جنبش از نوشته‌ها و اعمال دماغی غير نقاشان جهيد، از اين جهت اين مقدمه ميبايستی تجلی سور رآلیسم را بطور کلی مورد بحث قرار دهد و نقاشی آنرا از راه تصوير بکار گیرد .

از آنرو که سور رآلیسم ناشی از زمینه‌های وسیع تر است و دعوی همه جانبه در بر گیرنده‌یی دارد. اساساً با سایر نهضت‌های هنری عصر ما متفاوت است. نقاشی اکسپرسیونیست (۱) میان گروه مجزائی از نقاشان از جمله (Der Blaue Reiter, die Bruck) و نیز نقاشانی انفرادی، کاملاً برکنار از جنبش ادبی این نهضت بظهور پیوست. کوبیسم (۲) ذاتاً و بطور برجسته مکتبی از نقاشی بود که خود را در نظم و نثر و معماری وارد نمود و یا بموازات تمایلات این هنرها همراهی گردید . چنانچه از امپرسیونیستها (۳)، فویست‌ها (۴) و نقاشان آبستره (۵) برمیاید آنان نیز طریقی برای هستی ارائه نمودند از این رو چنین نتیجه میگردد که برخلاف آنچه صریحاً انتشار یافته، سور رآلیسم صرفاً در حاشیه‌های هنر نوین جای دارد ولی در مورد بر خورد و تلقی آن از هستی از قرون پیشین آشکارا اشاره گردیده است .

امروزه سور رآلیسم ميباید بر اساس بستگی به زمان خود قضاوت گردد، چه آن ، بدون مسئله‌ی جنگ ناانگاشتنی است. در واقع این نهضت ابتدا چون واکنشی بر بیهودگی جنگ جهانی اول جلوه نمود. بسال ۱۹۱۶ معدودی از شاعران ، نقاشان و مصنفین تبعیدی

بقیه در صفحه ۸۵

-
- (۱) اکسپرسیونیسم: جنبش نوینی در هنر تجسمی، نقاشی و غیره بمنظور بیان مشاهدات درونی با بکار بردن سمبل‌ها ، ساده کردن فرم‌ها و غیره .
- (۲) کوبیسم : مکتب نوینی در نقاشی که بامکعب‌ها و سایر اشکال هندسی مشخص میگردد.
- (۳) امپرسیونیسم: تئوری‌یی از نقاشی، موسیقی و غیره که هدف آن برداشت سریعی است از هر تأثر
- (۴) فویسم: نظریات و افکار گروهی از نقاشانی فرانسوی چون (ماتیس، درن و سایرین) که در حدود سال ۱۹۰۶ به تمایلات رایج نقاشی آکادمیک ودقت وسخت گیری‌های علمی نئو امپرسیونیست‌ها شوریدند.
- (۵) آبستره: ایده‌یی بری از پدیده‌های مادی که در نقاشی با طرح‌های غیر مشخصی نمایش داده میشود .

در زوریخ گروه کاباره ولتر را تشکیل داده و نشریاتی تحت عنوان - دادا - (Dada) (۶) منتشر نمودند. این کلمه ظاهراً چون قیل و قال طفلی صدا میکند George Grosz یکی از نقاشان گروه دادائیست برلین عقیده‌ی خود را در این مورد چنین اظهار میدارد:

«ما شانه از زیر بار هر چیز خالی نموده و بسادگی آنها را مسخره کردیم، هیچ چیز برایمان مقدس نبوده و بر تمام آنها تف انداختیم: این بود مکتب «Dada». نه تصوف بود، نه مرام اشتراکی و نه آنارشیزم (مرام هرج و مرج طلبی). هر یک از این ایسم‌ها (isme) طرح و برنامه‌ی دربرداشتند ولی ما در هر حال بکلی عاری از عقیده بوده و نشانه‌ی ما بیهودگی خلاء و گودال بود.»

نشریات همانندی در پاریس انتشار یافت که در آن هنرمندان و نویسندگان جوان عقاید خود را در زمینه‌ی نوگرایی که کاملاً مخالف با هر سنتی بود بیان نمودند. اینان طرح و برنامه‌ی خود را از نوخواهی، تحت عنوان روحیه‌ی جدید، هر گونه تجربه‌ی شعری، نوعی شبیخون و طرد ادبی که خبری شکفت آور ابدی بود تصریح نمودند - فیروزی پیش بر آنان «گیوم آپولینر» (Guillaume Apollinaire) شاعر بود که بسال ۱۹۱۷ در یکی از نامه‌های خود اصطلاح سور رئالیسم را بکار برد. در میان پیشقدمان دادائیسم ترستان زارا (Tristan Tzara) را میتوان نام برد که بعدها با آندره برتون (Andre Breton) مبتکر سور رئالیسم در افتاد. دادائیسم انقلاب و طغیانی بر علیه جنگ بود. این نهضت ایده‌ی کلی بیهودگی را چون صلاحی بر علیه طرق مختلفی که در آن جنگ بگونه‌ی مفهوم بیبیافت انتشار داد. زیرا آنان جنگ را بطور کلی در مجموع و بصرف خود بی معنی می‌پنداشتند. دادائیسم اضمحلال مطلق جمیع ارزشهایی که آن زمان مقدس مینمود اعلام نمود و میهن پرستی، افتخار، مذهب، جاه طلبی، بزرگیهای بشری و هر گونه ایده‌آلی را بباد استهزا گرفته و رو بندهارا از چهره‌ی خدایان دروغین بر انداخت. در این زمینه دادائیسم با سور رئالیسم که به دنباله‌ی آن پیدایش یافته بود قرابت داشت. آراگون (Aragon)، برتون، الوار (Breton) (Eluard) و پره (Peret) رهبران سور رئالیست؛ بنیانگذاران دادائیست‌های فرانسوی بوده‌اند.

از چنین محیطی سور رئالیسم پیدایش یافت. همه جا تاثرات روانی عمیق ناشی از جنگ و توده‌ی قربانیانی بنام مقدس‌ترین خصائل نوع بشر که در ضمایر حساس نقاشان واپس زده شده بود آزاد گردید. در پاریس این زمینه توسط بدعت گزاران و افکار انقلابی‌یی که تشنه‌ی شیوه‌های نوین طرز بیان بودند آماده گردید. دادائیسم در تمام شهرهای بزرگ اروپا اخگری برانگیخت

محیطی که مرکب از تسلیم به شکست؛ بدور افکندن تعقل، کناره گیری و چشم پوشی از رفتار منطقی بی که جمیعاً معلول جنگ و بی نظمی و خرابی بی بعد از آن بود. بدین گونه نهضت و روشی بوجود آمد و نضج گرفت.

« (من به جهان نیاں نکته بی باریک را که اهمیتی فوق العاده دارد اعلام میدارم؛ وسیله جدیدی در دنیا پدید آمده، خصالت پسندیده‌ی دیگر به بشر ارزانی گشته است و آن سور رآلیسم فرزند برومند حمیت و تاریکی است. پیش بیائید تا با زیباترین تصاویر دو برو گردید.» این جملات بصورت بیان دلالتی از کتاب (دهقان پارسی) اثر آراگون که سال ۱۹۲۴ انتشار یافت و در بازار مکاره ارائه گردید آغاز سور رآلیسم ادبی را نشان میدهد. این نبوغ آندره برتون بود که این روش و فکر نوراعلما توجیه نمود و اهمیت بخشید. این نهضت برخلاف متقدمانش دیگر بطور مطلق مخرب و هرج و مرج طلب نبود. بلکه بطور افزاینده مفاهیم خود را یافت و میتوان گفت که (در این جنون راه و رسمی وجود داشت).

برتون میان گروهی از ادباء جوان این نقطه‌ی شروع را دریافته و به ترویج و تبلیغ این نهضت نه تنها در جامعه‌ی زیبایی شناسی بلکه بصورت وسیله‌ی بمنظور ادراک و شناخت مسایل پرداخت. تاجائی که در پاریس شهری که در حال پی ریزی تجلیات فکری‌ی دقیق فرانسوی میان دو جنگ بود گسترش یافته و بسط آن میان سالهای بحرانی ۱۹۱۸ الی ۱۹۳۹ انجام گرفت. دوره‌ی مقدماتی و مرحله‌ی عظمت آن از سال ۲۵ - ۱۹۲۳، دوره بحرانی و انتقادی آن در بین سالهای ۳۰ - ۱۹۲۵ و نمود مستقل آن از آن تاریخ تا سال ۱۹۳۹ بطول انجامید این گروه بطور وسیعی فعالیت آغاز نمودند. نشریات، اعلانات دستی، رساله‌ها متعاقب هم با سرعت و بی درپی تمام پاریس را در بر گرفتند. بیانیها دست اندر کار تصریح و روشن نمودن هدفها و مقاصد بودند. میان ادبا فقط معدودی خود را پیش از حد وقف افکار نظری‌ی مربوط به روش خلاقه‌ی خود نمودند. طوفان اعتراض برپا شد، پوپ (Pope) و پل کلودل (Claudel) مورد حمله قرار گرفتند؛ دادگاههایی بمنظور دفاع از فکر و آزادی عقیده تشکیل گردید.

رسوایی‌ها و شایعات ننگ آور یکی بعد از دیگری برانگیخته شد؛ شعارهای اساسی بر علیه زندگی خانوادگی، حکومت و مذهب بظهور پیوسته و نابودی آن در بیانات و مباحثات ترغیب گردید. بین افراد گروه تفرقه و انشباب بوجود آمد. بحث‌ها ادامه دارد.

سیروس اسدالله زاده